



کدام ترویج کار آفرینی در دانشگاه‌ها؟

علی خیرالدین، معاون فناوری و نوآوری وزیر «علوم، تحقیقات و فناوری» ۲۸ دی ۱۴۰۰ در نشست مشترک با مسعود کنجی، رئیس صندوق رفاه دانشجویان گفته بود: «تدوین طرح ملی ترویج کار آفرینی در دانشگاه‌های کشور در وزارت علوم در حال نهایی شدن است و پس از تأیید وزیر علوم به دانشگاه‌ها ابلاغ می‌شود.»

فرود بود براساس این طرح، از ایجاد اشتغال مبتنی بر دانش که در قالب فعالیت در شرکت‌های دانش‌بنیان و واحدهای فناور صورت می‌گیرد، با استفاده از ظرفیت صندوق رفاه دانشجویان، صندوق پژوهش و فناوری و سایر صندوق‌های مرتبط مانند صندوق نوآوری و شکوفایی حمایت شود، این در حالی است ابلاغ آپین‌نامه اجرایی این طرح با تأخیر همراه بوده و با این روند معلوم نیست از کدام کار آفرینی در دانشگاه‌ها بناست، حمایت شود چه آنکه طرح و شعار به اندازه کافی وجود دارد، ولی مهم اراده و اجراست.



تشکل‌های صنفی شاغلان ساختمان در انتظار بهبود

سال گذشته در چنین روزی، حسین علی رعیثی‌فرد، معاون روابط کار وزارت «عاون، کار و رفاه اجتماعی» در صد و هفتاد و سومین جلسه شورای عالی حفاظت فنی گفته بود: «با توجه به اینکه ایران در زمینه بهبود فضای کسب و کار در جهان دارای رتبه حدود ۱۳۰ است باید برای مقررات زدایی و ایجاد شرایط مناسب با انعطاف‌پذیری بیشتر زمینه‌های مناسب فراهم شود.»

طبق مادهٔ ۱۸ قانون «بهبود مستمر محیط کسب‌و کار»، وزارت «ععاون، کار و رفاه اجتماعی» مکلف است به منظور ارتقای کیفیت خدمات، شفاف‌سازی و شکل‌گیری بازار کار در زیربخش‌های مختلف بخش ساختمان و ایجاد سهولت و امنیت برای متقاضیان نیروی کار در این بخش، زمینه شکل‌گیری تشکل‌های صنفی شاغلان در بخش ساختمان را فراهم کند. شاغلان بخش ساختمان در انتظار بهبود محیط کسب‌وکار خود با توجه جدی دولت به تشکل‌های صنفی هستند.



شوخی اقتصاد دیجیتال در روستاها

ایرج روحی مشاور وزیر «ارتباطات و فناوری اطلاعات» و مجری طرح توسعه ارتباطات در مناطق روستایی ۲۸ دی ۱۴۰۰ در جلسه شورای اداری مدیران ارتباطات و فناوری اطلاعات استان خراسان رضوی گفته بود: «لازم است در مورد اینترنت روستاها، تست‌های کار بردی با استفاده از نرم افزارهای مخصوص انجام گیرد تا میزان کارایی اینترنت در هر منطقه به صورت دقیق بررسی شود؛ همچنین در مورد اینترنت پر سرعت(ADSL) به ایدنغده‌های مهم وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به شمار می‌آید، ضروری است برنامه ریزی‌های دقیق تر و جامع‌تری صورت گیرد.»

با گذشت یک‌سال اینترنت روستاها بدون انجام تست‌های کار بردی هم ثابت می‌کند خبری از کارایی اینترنت روستایی نیست، به طوری که حتی برای ارتباط اولیه به مشکل مواجه هستند، بنابراین در چنین شرایطی صحبت از اقتصاد دیجیتال در روستاها یک نوع شوخی است و طبعاً انتظار توسعه پایدار بدون رفع چنین چالش‌هایی آب در هاون کوبیدن است.



مانع در رف مانع پلتفرم‌های داخلی؟

جلسه شورای عالی فضای مجازی ۲۸ دی ۱۴۰۰ به ریاست سیدابراهیم رئیسی تشکیل شد و در آن با توجه به نقش و اهمیت روزافزون فضای مجازی در زندگی و کسب و کار مردم، موضوع توسعه پلتفرم‌های داخلی و ضرورت رفع موانع موجود در این زمینه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مقرر شد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، طرح اجرایی خود همراه با زمان‌بندی آن را برای برطرف کردن موانع موجود در مسیر توسعه پلتفرم‌های داخلی در حوزه‌های کسب و کار، اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای به شورای عالی فضای مجازی ارائه دهد.

با گذشت یک‌سال موانع موجود در مسیر توسعه پلتفرم‌های داخلی در حوزه کسبوکار هنوز به قوت خود باقی است و اغتشاشات اخیر نیز مزید بر علت شده است. اگر موانع موجود برطرف می‌شد در شرایط کنونی کسبوکارهای مرتبط با بستر اینترنت وضع بهتری می‌داشتند، اما نشد آنچه باید می‌شد.



»

«جوان» وضعیت و ملاحظات اقتصادی با افغانستان را واکاوی کرد

روابط تجاری تهران-کابل پایدار اما متأثر از حاکمیت طالبان

سخن از افغانستان همواره با درک تلخی زندگی مردم مظلوم این کشور همراه است چه آنکه حداقل از چهار دهه قبل در دام انواع «ایسم»‌ها همچون «کمونیسم» و «لیبرالایسم» گیر کرده‌اند و تلاش مجاهدان این کشور نیز با وجود پیروزی‌های مقطعی هنوز موفق به پیروزی نهایی نشده‌است. مردم افغانستان از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۱ درگیر کمونیست‌های شوروی بودند و با جهاد مجاهدان روزهای خوش از راه رسید، اما چهار سال بیشتر طول نکشید که روزهای سخت طالبان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ بر این کشور سایه انداخت. این پایان ماجرا نبود چه آنکه رژیم امریکا با لشکر کشی به افغانستان این کشور را به مدت ۲۰ سال، یعنی تا ۱۴۰۰ اشغال کرد و ضمن کشتار و سرمانه مردم، اموال این کشور را نیز تا حدممکن غارت کرد و پس از مکیدن خون مردم افغانستان، ضمن به دور انداختن دولت اشرف غنی که خود سر کار آورده بود(تکرار سناریوی مشابه در همه کشورهای حامی امریکا)، این کشور را تقدیم طالبان کرد، بنابراین بدون در نظر گرفتن پیشینه سیاسی وضع حاکم بر افغانستان، سخن گفتن از وضعیت اقتصادی و تجارت با آن کشور راهی سراسر خطاست. افغانستان که به عبارتی «پهشت معادن» است، منابع باارزش آن همچون لیتیوم، مس، نیکل، کوبالت، اورنوم، طلا و… توسط رژیم امریکا به کلی غارت شده است. جالب آنکه در تمام این سال‌ها، مقامات امریکایی مستقر در افغانستان در تلاش برای القای این گزاره در ذهن افغانستانی‌ها بودند که «باید با ایرانی‌ها همکاری

■ تفاوت تجارت با افغانستان در پیش و پس از طالبان

سیدروح‌الله لطیفی، عضو کمیسیون بین‌الملل و تجارت خارجی خانه «صنعت، معدن و تجارت» ایران به «جوان» می‌گوید: «افغانستان ششمین مقصد صادراتی ایران است و طی ۶ ماه و ۱۰ روز نخست امسال، یک میلیارد و ۲۵۲ میلیون و ۱۳۳ هزار و ۸۵۰ دلار صادرات به این کشور داشتیم.» وی می‌افزاید: «افغانستان در بهترین وضع خود و در زمان حکومت گذشته ۷/۵ میلیارد دلار در سال واردات داشت که بین ۲۵ تا ۳۰ درصد از واردات خود را از ایران انجام می‌داد و ایران نخستین مبدأ وارداتی افغانستان بود.» سخنگوی پیشین گمرک تصریح می‌کند: «قبل از سقوط دولت افغانستان، کمک‌های بین‌المللی به این کشور صورت می‌گرفت و بعد از روی کار آمدن حاکمیت فعلی، ضمن قطع شدن این کمک‌ها، منابع آنها نیز بلوکه شد، بنابراین این وضع در گردش مالی افغانستان و خریدهای بین‌المللی آن مؤثر است.» لطیفی خاطر نشان می‌کند: «سال گذشته صادرات ایران به افغانستان یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار بود و با امسال با روند فعلی، برآورد می‌شود صادرات ما به این کشور حدود یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار برسد، بنابراین وضع صادرات ایران به افغانستان با وجود کاهش درآمدهای افغانستان و نصف شدن واردات این کشور صرفاً کمبودی محدودی نسبت به سال گذشته خواهد داشت.»

■ تلاش سفیر جدید برای افزایش صادرات به افغانستان

همچنین حسین سلیمی، رئیس اتاق بازرگانی ایران و افغانستان به «جوان» می‌گوید: «اولیل ورود طالبان به افغانستان با توجه به مشکلات موجود، صادرات ایران به این کشور در دو ماه امسال متوقف شده بود. پیش‌بینی میزان صادرات ایران به افغانستان برای سال جاری نزدیک به ۲ میلیارد دلار برآورد شده بود، اما متأسفانه به این رقم نخواهیم رسید و حضور سفیر جدید و تلاش وی برای افزایش صادرات است که سال آینده اوضاع به مراتب بهتر خواهد شد.» وی می‌افزاید: «با حضور سفیر جدید ایران در افغانستان، وی مجدانه در تلاش برای افزایش صادرات ایران به افغانستان و مبادلات کالا در مرزها هستند، نخست‌های نیز در این خصوص در اتاق ایران داشتند و حتی با طرف افغانستان نیز نشست‌هایی بر گزار کردند و برنامه‌هایی نیز مدنظر شان است. احتمال می‌رود در سال ۱۴۰۲ رقم ۲ میلیارد دلار صادرات به افغانستان را شاهد باشیم.»

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و افغانستان خاطر نشان می‌کند: «صادرات افغانستان به ایران همیشه ناچیز و نزدیک به ۱۰ الی ۲۰ میلیون دلار بوده است، به دلیل اینکه اغلب کالاهای کشاورزی در افغانستان در ایران نیز موجود است. آنها تخم خوردرنی به نام چلچلوز دارند که به تمامی کشورها صادر می‌کنند و براساس تفاهم‌های انجام شده مقرر گردید که اجازه ورود این مواد خوراکی به ایران نیز داده شود که در این صورت صادرات افغانستان به ایران نیز افزایش می‌یابد، البته به‌توجه داشت خود افغانستان و طالبان نیز هنوز نتوانسته‌اند در دنیا جایگاه مؤثری برای برقراری ارتباط روابط تجاری با کشورها پیدا کنند، اما به دلیل همسایگی با ایران،

اقتصاد

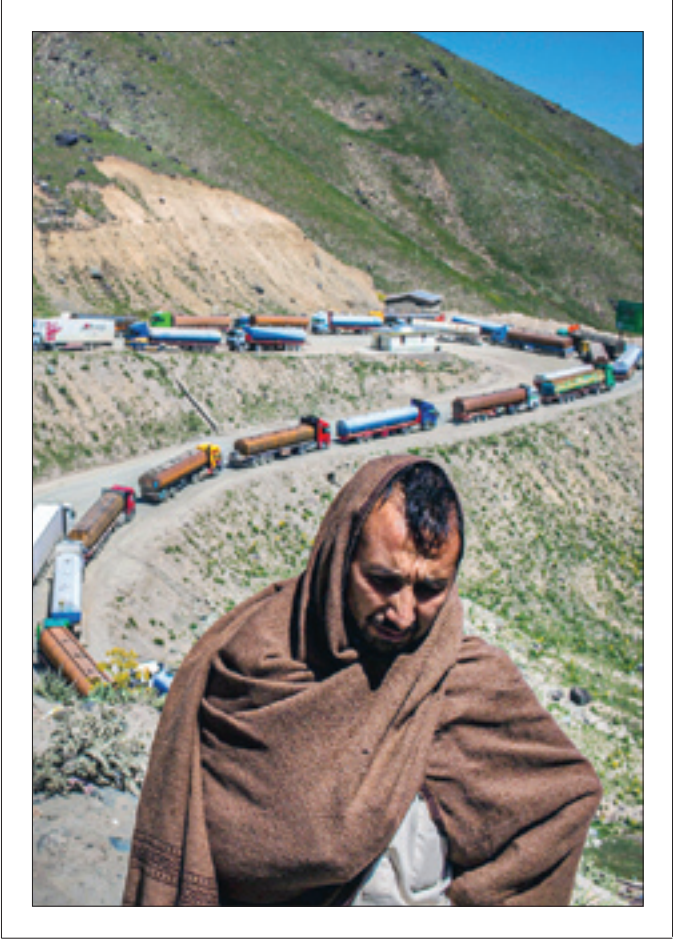
سرویس اقتصادی ۸۸۹۹۸۳۳۹

چهارشنبه ۲۸ دی ۱۴۰۱ | ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴



»

ژئواستراتژیکی در بین همسایگان ایران دارد. مطابق آمار مرکز تجارت جهانی، ایران نخستین مبدأ واردات افغانستان در چند سال گذشته بوده است. میزان تجارت ایران و افغانستان سالانه حدوداً ۲/۵ میلیارد دلار است. صادرات سالانه ۲۳۷ مگاوات برق یکی از مهم‌ترین محصول صادراتی ایران به این کشور محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد در یک دهه اخیر وجود برخی اختلاف نظرهای سیاسی – امنیتی بین دو کشور، وجود تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و همچنین واگرایی سیاسی ناشی از تنش‌ها و اختلافات آبی از عوامل مهم عدم رشد مبادلات اقتصادی بین دو کشور بوده است، اما عواملی نیز وجود دارد که باعث اهمیت افغانستان در روابط اقتصادی ایران می‌شود. «عرب‌پور با تشریح این عوامل می‌گوید: «۱. افغانستان دروازه ورود ایران به آسیای مرکزی است؛ این کشور از سمت شرق با تاجیکستان و منطقه کشمیر هم مرز است که مردم این مناطق نسبتاً فقیرتر از بقیه کشورهای منطقه است.»



دیدیلماسی اقتصادی به مفهوم کار کردی هر کند دیدیلماسی در عرصه اقتصاد و بسه کارگیری توانایی‌های بالقوه و بالفعل دیدیلماسی برای تحقق اهداف اقتصادی کشورهاست. از وظایف اصلی دیدیلماسی اقتصادی، ظرفیت‌سازی برای تجارت است که شامل استفاده از نفوذ و روابط سیاسی برای تحت تأثیر قرار دادن جریان تجارت و سرمایه گذاری بین‌المللی می‌شود. بر همین اساس ضرورت جهت‌گیری دیدیلماسی اقتصادی ایران به سوی بازار همسایگان به ویژه در شرایط فشار حداکثری امریکا، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و افغانستان به عنوان دروازه ورود ایران به آسیای مرکزی و چین بهترین فرصت برای حضور فعالان تجاری، تجاری است و استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه یکی از مسائل با اهمیت در دیدیلماسی اقتصادی به‌شمار می‌رود. در میان این کشورها، افغانستان به دلیل اشتراکات فرهنگی و زبانی و نیز دارا بودن وضعیت اقتصادی خاصی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در دیدیلماسی اقتصادی ایران برخوردار است، از آنجا که کشور افغانستان ۹۰ درصد نیازهای خود را از کشورهای همسایه خود تأمین می‌کند، می‌تواند نقش مهمی را به عنوان کشور مقصد در صادرات ایران داشته باشد.»

■ **اهمیت افغانستان در روابط اقتصادی ایران**
عرب‌پور می‌افزاید: «کشور افغانستان با حدود ۶۵۰ هزار کیلومتر مربع وسعت و تقریباً ۲۸ میلیون نفر جمعیت و بیش از ۹۳۰ کیلومتر مرز مشترک، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای به لحاظ ژئواکونومی و

نظام اقتصادی اسلام

طبعاً رهباست جمهوری اسلامی ایران مبنی بر «نه شرقی، نه غربی» درباره همه ساخت‌ها از جمله اقتصاد صدق می‌کند. نفی نظام‌های اقتصادی نئولیبرالیسم و کمونیسم با پشتوانه «نظام اقتصادی اسلام» است. اما این نظام آنتور که باید، معرفی و مورد توجه قرار نمی‌گیرد. از این جهت در سلسله مطالبی کتاب «نظری به نظام اقتصادی»، مجموعه یادداشت‌های متفکر شهید استاد مرتضی مطهری را بازخوانی می‌کنیم.



نظر باطل درباره ارزش

از این اشکال می‌توان جواب داد، به اینکه ارزش یک صفت واقعی است، ولی نه به اعتبار اشیا یی نفسیه بلکه به اعتبار واقع برای انسان و البته ارزش مسایف با مفید بودن نیست، بلکه ارزش مساوی است با مفیدبودن و احتیاج انسان و چون احتیاج انسان به نوع کالاست نه به شخص، به هر اندازه که وفور و عرضه زیاد شود احتیاج به شخص کالا کمتر می‌شود و از ارزش می‌افتد تا درجه‌ای که اگر مانند هوا همه جایی شود به کلی از ارزش ساقط می‌شود.

و وفور و عرضه زیاد از قبیل توسعه سطح اتکا جسم است که هر چه بیشتر شود قوه ثقل تقسیم می‌شود و هر چه کمتر شود فشار قوه ثقل متوجه به یک نقطه می‌شود. این قوه همان قوه توجه و خرید مردم است و عبارت بهتر این است که بگویم ارزش ناشی از دو چیز است: مفید و مورد احتیاج بودن و در دسترس نبودن به معنی در انحصار دیگران بودن و هر چه جنسی وافرتر باشد خود وفور اجباراً کالا را از دست صاحب آن کالا بیرون می‌آورد و به بازار می‌کشد. این نظر منطبق است با نظر عرضه و تقاضا در تعیین بها که بعدها گفته خواهد شد.

نظر نسوم درباره ارزش این است که ارزش تابع مفید بودن

است و هر اندازه اشیا مفیدتر باشند قهراً ارزش بیشتری پیدا می‌کنند. این نظریه نیز باطل است، زیرا اولاً ما گفتیم که اگر

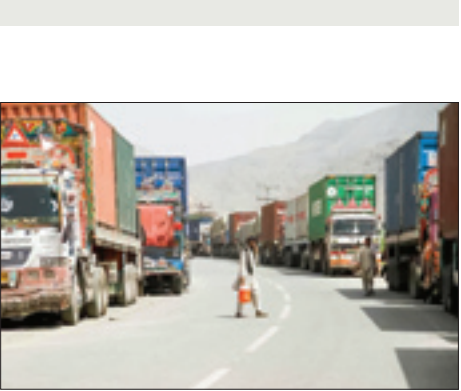
ارزش به معنی مفید بودن - یا لاقلاً تابع مفید بودن - بود و

صد در صد به آن بستگی داشت نباید به حسب عرضه و تقاضا نوسان پیدا کند. به علاوه ما می‌بینیم بسیاری از اشیا با اینکه

بیشتر مورد احتیاج می‌باشند، مثل نان و آب قیمت کمتری دارند، اما بعضی چیزهای دیگر با اینکه از تجملات زندگی است

و چندان مورد احتیاج نیست صدها برابر آن قیمت دارد، مانند

عطر و لوازم تجمل زنانه.



مبادلات مشروط اقتصادی و سیاسی افغانستان

جعفر مهدوی، دبیر کل حزب ملت افغانستان، نماینده پیشین مجلس این کشور و استاد دانشگاه شهروپر سال گذشته در گفت‌وگو با مؤسسه مطالعات راهبردی شرق گفته بود: «تا زمانی که افغانستان نتواند به یک حکومت متمرکز قدرتمند و پایتات دست پیدا کند، جایگاه ژئوپلیتیک و اهمیت ژئواکونومیکی افغانستان همواره یک کشور را به محل منازعه منافع قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی تبدیل خواهد کرد. وقتی ما ماهیت تحولات سیاسی نظامی افغانستان را در دهه‌ها و سال‌های گذشته، به خصوص سه جنگ معروف میان افغان‌ها و انگلیسی‌ها، جنگ دوران جهاد در مبارزه با اتحاد جماهیر شوروی و دو دهه گذشته مبارزه با اشغال افغانستان توسط ۱۵۰ هزار نیروهای مسلح، آن‌هم با مصرف بیش از ۲ هزار میلیارد دلار و هزاران کشته و زخمی غربی‌ها بررسی کنیم، آنها را می‌توانیم در همین قالب مورد بررسی قرار دهیم که افغانستان همیشه متأسفانه به دلیل همین جایگاه بسیار مهم و استراتژیک و حساسی که در این حوزه جغرافیایی دارد، همیشه به کانون توجهات و مداخلات و اشغال قدرت‌های جهانی تبدیل شده است.

اگر چه روحیه مبارزه‌جویی و بیگانه‌ستیزی ملت افغانستان هر گز اجازه نداده که افغانستان به مستعمره هیچ کشوری تبدیل شود، اما به هر حال هزینه‌های سنگین جانی و مالی را بر افغانستان و ملت آن تحمیل کرده و به عبارت دیگر حجم این تحولات و حوادث باعث شده که افغانستان از رشد طبیعی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باز بماند و صدها هزار و حتی میلیون‌ها شهروند این کشور به کشورهای همسایه و جهان آواره شوند. همچنین بیش از یک میلیون افغان در طول این جنگ‌ها جان خود را از دست دهند.

بنابراین ماهیت تحولات سیاسی، نظامی و امنیتی اخیر را هم می‌توانیم در همان چارچوب منطقی که عرض کردم، تحلیل کنیم.»
مهدوی در بخش دیگری نیز گفته بود: «البته طالبان امروز تفاوت‌های جدی با طالبان دو سه دهه قبل پیدا کرده و من فکر می‌کنم حداقل یک نکته مهم و خوش‌بینی این است که طالبان امروز در ک کرده حکومت کردن به شیوه دو سه دهه قبل، بدون اینکه یک مشروعیت ملی ایجاد کند و همچنین بدون یک مشروعیت بین‌المللی امکان‌پذیر نیست و در آن صورت، دنیا حکومت آنها را به رسمیت نمی‌شناسد و یقیناً وقتی به رسمیت نشناسد، تمام مبادلات اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک با این حکومت قطع خواهد شد. حکومت کردن بسر جغرافیایی که کاملاً از طرف دنیا فراموش و تحریم شده است، عملاً حتی برای یک روز هم امکان‌پذیر نیست. اگر طالبان این نکته را درک کرده باشد، باید حکومتی را ایجاد کند که هزاره‌ها، تاجیک‌ها، ازبک‌ها، بلوچ‌ها، پشه‌ای‌ها و تمام اقوام افغانستان در آن سهمی داشته و چهره خود را در آن بینند.»

اطلاعات بر گرفته از تارنمای معاونت دیدیلماسی اقتصادی وزارت خارجه